ادیان و عرفان

Religions and Mysticism

سال پنجاه‌وچهارم، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۴۵۱-۴۲۵ (مقاله علمی - مروری)

Vol. 54, No. 2, Autumn & Winter 2021/2022
DOI: 10.22059/jrm.2022.325345.630206

تحلیل دین‌شناختی و اسطوره‌شناختی آیین ایرانی قربانی گاو در اسفنجان[1]

محمد مشهدی نوش‌آبادی[2]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۹ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲)

چکیده

بهار هر سال در آبادی اسفنجان از توابع شهرستان اسکو استان آذربایجان شرقی آیینی بر محور قربانی گاو انجام می‌شود که متضمن عناصر مهمی از باورها و آیین‌های ایرانی است. بر اساس این سنت دیرینه مردم این آبادی، گاو نری را که از مدت‌ها قبل در نظر گرفته شده خریداری و صبح پنجشنبه‌ای که ۳۶ روز از بهار گذشته باشد، در آبادی گردانده و نذورات مردم را از درب خانه‌ها دریافت می‌کنند. پس از اینکه آب قنات آبادی را به گاو نوشاندند، آن‌را به زیارتگاه پیر سنگ که در رأس تپه‌ای در کنار آبادی قرار دارد برده و گرد آن می‌گردانند. آنگاه از تپه سرازیر شده و قربانی را به بالای تپه قربانگاه در جانب دیگر روستا هدایت می‌کنند و نزدیک نقطه سنگ‌چینی که باور دارند محل غیبت دختری است، ذبح می‌کنند تا خون گاو از طریق شیاری به گودال سنگچین فرو رود و در پی آن باران ببارد. مطالعات مقاله به دو صورت میدانی و اسنادی شامل توصیف آیین و تحلیل دینی و اسطوره‌ای آن است که بر اساس آن طلب باران، اسطورهٔ غیبت دختر و قربانی گاو سه وجه اصلی این آیین بر بن‌مایه‌های فرهنگ ایرانی استوار است و برگزاری آن در حدود ۴۰ روز پس از نوروز نیز، قابل‌مقایسه با گاهنبار «میدیوزرم گاه» یا «میان بهار» زرتشتیان است. همچنین این آیین در تنوع عناصر آیینی نمونه‌ای بی‌مثال است و به جز عناصر اصلی دربردارندهٔ حاجت‌خواهی، جمع‌آوری نذورات، گرداندن گاو در آبادی، جاری کردن خون در محل غیبت دختر، استفاده از خون قربانی جهت مشکل نازایی، تقسیم و پخت گوشت قربانی است.

واژگان کلیدی: آیین ایرانی-زرتشتی، اسطوره غیبت دختر، اسفنجان، سی و ششمین روز بهار، طلب باران، قربانی گاو، گاهنبار میدیوزرم (میان بهار).

---

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی داخلی نویسنده با معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه کاشان با عنوان «دو آیین کهن در ایران امروز» نوشته شده و هزینهٔ آن از محل پژوهانهٔ نویسنده پرداخت خواهد شد.

۲. دانشیار گروه ادیان و فلسفهٔ دانشگاه کاشان؛ Emial: mmn5135@kashanu.ac.ir

۱. مقدمه

اسفنجان روستای آباد و حاصل‌خیزی است از توابع بخش مرکزی شهرستان اسکو در ۳۰ کیلومتری تبریز و مرکز دهستان سهند (تصویر ۱ و ۲). اسفنجان در دامنهٔ کوه‌های سهند غربی («سلطان داعی» و «ارشد داغی») و در شش کیلومتری جنوب شرقی شهر اسکو و روستای تاریخی و فرهنگی کندوان قرارگرفته است. فاصله‌اش تا تبریز، مرکز استان آذربایجان چهل کیلومتر است. این روستا از شرق با روستاهای «هزه بوران» و «انرجان» و از جنوب با روستای «کهنمو» و از شرق با روستای «اسکندان» و از شمال با روستای «اسینجان» و از شمال غربی با شهر اسکو همسایه است، جمعیت اسفنجان پنج هزار نفر است که در قالب هزار خانوار زندگی می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق اهالی به زبان ترکی تکلم می‌کنند و باسوادان به زبان فارسی آشنا هستند. مذهب همهٔ اهالی روستا شیعهٔ اثناعشری است. شغل مردم به صورت قالی‌بافی، باغداری و کشاورزی توأم با دام‌پروری است [۱۷، ص۱۶]. مردم اسفنجان در اولین پنجشنبه‌ای که سی و شش روز از نوروز گذشته باشد، آیینی ایرانی برگزار می‌کنند که سابقه‌ای کهن دارد. عناصر متعدد این آیین که برای باران‌خواهی و بر محور قربانی گاو انجام می‌شود، به لحاظ مردم‌شناسی آیینی و اسطوره‌شناسی اهمیت دارد.

تصویر ۱ و ۲ موقعیت جغرافیای اسفنجان و شهرهای هم‌جوار (مأخذ گوگل)

به‌جز مطالب و گزارش‌هایی که در صفحات مجازی دربارهٔ این آیین نوشته شده، تاکنون دو مقالهٔ علمی دربارهٔ این آیین منتشر شده است که بیشتر رویکرد مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد. یکی از آن‌ها مقالهٔ علی فلسفی است که با عنوان «سی و ششمین روز بهار در روستای اسفنجان» که در نشریهٔ دیلماج، به سال ۱۳۸۵ منتشر شده است. دیگری «بررسی مردم شناختی آیین قربانی سی و ششمین روز بهار در اسفنجان نوشتهٔ حمیده میری خسروشاهی و مریم فریدآقائی که در مجلهٔ فرهنگ مردم ایران [۱۳۹۳] نشر شده است، اما هنوز از جهت دین‌شناسی به این آیین پرداخته نشده و زوایای آیینی، اسطوره‌ای و رمزشناختی آن مورد نظر قرار نگرفته، امری که ضرورت نوشتن این مقاله را ایجاب می کرد، لذا نگارنده نیز در بهار سال ۱۳۹۳ با حضور در اسفنجان این آیین را از نزدیک بررسی کرده است و در این پژوهش مشاهدات خود را با نگاه دیگران تطبیق داده است. گرچه مقالهٔ دوم دیدگاه بی‌اساسی دربارهٔ ریشهٔ این آیین مطرح و آن را آیینی اسلامی متفاوت از آیین های دیگر ادیان با محوریت مسجد، زیارت عاشورا و

دعای توسل و دانسته است [۲۴، صص۱۳۷ و ۱۳۸]. در این مقاله برآنیم تا ضمن توصیف دقیق این آیین، اجزا و عناصر آن‌را مورد تحلیل دین‌شناختی و اسطوره‌شناختی قرار دهیم. سؤال اصلی پژوهش این است که بن مایه‌های دینی و اسطوره‌ای و عناصر اصلی آیین قربانی گاو در اسفنجان کدام است و چه نسبتی با فرهنگ ایرانی و زرتشتی دارد؟

۲. گزارش آیین

اولین قدم در اجرای این آیین سالانه تهیه پول و خرید گاو برای این روز است. از این‌رو اوایل فروردین ماه، چند نفر از اهالی برای این کار انتخاب می‌شوند. طی مدت دو روز از طریق اعلان در مساجد و رفتن به خانه‌ها به جمع‌آوری پول می‌پردازند [دربارهٔ شیوه‌های گردآوری پول برای خرید گاو نک: ۲۴، صص۱۳۲ و ۱۳۳؛ ۱۷، صص۱۷ و ۱۸]. همهٔ اهالی به وسع خود در خرید گاو قربانی مشارکت دارند. پول در اختیار ریش‌سفیدان روستا قرارگرفته و گاوی بزرگ، مناسب این مراسم از روستا یا جای دیگری خریداری می‌شود (تصویر ۳). ورزه گاو تهیه شده بسیار بزرگ است و از میان گاوهای متعدد انتخاب می‌شود.[۱]

تصویر ۳. جمع‌آوری و حسابرسی نذورات نقدی برای خرید گاو قربانی (مأخذ نگارنده)

۱. گاو امسال گاو فربه‌ای بود و بیش از ۸۰۰ کیلو وزن داشت. این گاو به‌علاوه گاو دیگری که به خاطر رساندن گوشت به همهٔ اهالی ذبح می‌شود، بیش از هفده میلیون تومان خریداری شده بود [مشاهدات نگارنده در تاریخ ۹۳/۲/۱۰].

تصویر ۴. گرداندن قربانی در روستا (مأخذ نگارنده)

صبح روز واقعه در پنج‌شنبه‌ای که حداقل سی‌وشش روز از بهار گذشته باشد، گـاو را از مقابل مسجد جامع آبادی حرکت می‌دهند. سه نفر با طنـاب گـردن و دو دسـت گـاو را در اختیاردارند تا گاو رم نکند (تصویر ۴). گرداندن گاو در تمام نقاط آبـادی نیـز بـرای برکـت بخشی و بلاگردانی است. گاو را ابتدا در محلهٔ بالا و سپس در محلهٔ پایین می‌گردانند.

تصویر ۵. منقبت و مرثیه‌خوانی در همراهی قربانی (مأخذ نگارنده)

گاو را از تمام خیابان‌ها، کوچه و پس‌کوچه‌ها می‌گردانند. مـردم بـا آهنـگ جـار زدن صلوات می‌فرستند؛ گویی نزدیک شدن گاو را به اطلاع اهل منازل مـی‌رسـانند. شخصـی نیز با مداحی در کنار قربانی مردم را همراهی می‌کند. گاهی در جـایی ایسـتاده و مـداح

مرثیه‌خوانی می‌کنند و دوباره راه می‌افتند. در همه حال گاو توسط اهالی مشایعت می‌شود (تصویر ۵). دست‌آخر نیز به قبرستان آبادی رفته مرثیه‌سرایی کرده و فاتحه می‌خوانند [قس؛ ۲۴، ص۱۳۵].

مردم آبادی از زن و مرد؛ خردسال تا سالخورده در برگزاری این آیین مشارکت تمام دارند و نیازها و نذورات خود را معطوف به این آیین کرده‌اند. آن‌ها بر در منازل ایستاده‌اند، تا مشایعت‌کنندگان قربانی سر برسند و نذورات را در کیسه‌ای که همراه یکی از آن‌هاست بریزند. نذورات مردم شامل محصولات باغی از قبیل گردو و بادام، زردآلو خشک، سنجد و شیرینی و آب‌نبات و... است؛ در کنار نذورات نقدی که برای خریداری گاو در نظر گرفته می‌شود. (تصاویر ۶ و ۷). گاهی نیز دستمال می‌دهند که به گردن گاو ببندند و جوراب که به حمل‌کنندگان گاو هدیه می‌شود. نذورات گردآوری و از باب تبرک به اهالی داده خواهد شد [مشاهدات نگارنده؛ قس همان، ۱۹]. بنا به گفتهٔ فلسفی زنان در این روز نان محلی روغنی و مغز دار به نام «نزیه» تهیه می‌کنند [۱۷، ص۱۷]. طلب حاجت از قربانی به طرق مختلف است؛ گاهی زنان نازا روسری خود را به کلهٔ گاو بسته و باز می‌کنند، به این امید که باردار شوند. گاهی تکه نباتی به بزاق گاو آغشته می‌کنند، تا بیمارشان خورده و شفا یابد (تصاویر ۸ و ۹).

تصویر ۶ و ۷. متبرک شدن نبات با بزاق قربانی برای رفع بیماری (مأخذ نگارنده)

تصاویر ۸ و ۹. جمع‌آوری نذورات خوراکی حین گرداندن گاو (مأخذ نگارنده)

قربانی را از آب قنات «عید آوا» سیراب می‌کنند و اعتقاددارند که مزارع با این کار حاصل خیز می‌شود (تصویر ۱۰). حتی ظرف آب دهان خوردهٔ گاو نیز در نزد مردم خاصیت درمانی دارد و آن‌را دور نمی‌ریزند، بلکه به خانه می‌برند تا برای درمان برخی از بیماری‌ها چون سینه‌درد و گلودرد استفاده کنند [همان، ۱۹]. سرانجام از جانب جنوب شرقی روستا گاو را به‌جانب تپه‌ای که زیارتگاه پیر سنگ در آنجاست می‌برند (تصویر ۱۱). رأس این تپه به‌واسطهٔ موقعیت قدسی، قبرستان قدیم آبادی بوده است (تصویر ۱۲). سنگ‌قبرها بسیار بزرگ است و روی آن‌ها نیز طرح‌ها و نقوش گل‌وبوته و کتیبه وجود دارد. این مقابر عموماً به دست سودجویان تخریب شده است؛ اما بر سنگ افراشته و سالمی از اوایل دورهٔ صفوی به تاریخ ۹۵۹ به چشم می‌خورد (تصویر ۱۳).

۱۰. تبرک آب قنات به‌وسیلهٔ قربانی (مأخذ نگارنده)

۱۱. مشایعت قربانی به‌طرف پیر سنگ (مأخذ نگارنده)

جمعیت نیز همراه قربانی به این زیارتگاه مـی‌رونـد. پیـر سـنگ زیارتگـاهی در رأس تپـه مشرف بر آبادی است که در آنجا یک اتاق قدیمی با طول و عرض ۳ در ۵ متـر قـرار دارد. در کنار اتاق، سنگ عظیمی به ارتفاع تقریبی ۳ متر واقع است که علت تقدس این مکان اسـت و به آن قره‌داش (سنگ سیاه) می‌گویند. این سنگ دو روزن دارد که در داخـل آن سـنگ‌ریـزه پرتاب می‌کنند که در جای خود تحلیل باورها و آیین‌های مربوط به آن خواهد آمد.

۱۲. تصویر تپه پیر سنگ ۱۳. تصویر سنگ قبور قبر صفوی زیارتگاه پیر سنگ (مأخذ نگارنده)

در این تپه مقدس با شیرینی از همه پذیرایی می‌شود. گاو را سه مرتبـه بـه دور ایـن مکان مقدس می‌گردانند در حالی‌که بسیار خسته شده و رمق چنـدانی نـدارد. سـرانجام گاو را از تپه سرازیر کرده و به تپه قربانگاه (قوربان داغی)، در جانب دیگر آبـادی هـدایت

می‌کنند (تصویر ۱۴). تا اینجا تمام مشایعت‌کنندگان مردان و پسران هستند اما در قربانگاه عده زیادی از اهالی از زن و مرد یا به‌صورت خانوادگی اتراق کرده و چشم‌انتظار هستند (تصویر ۱۵).

تصویر ۱۴. حرکت قربانی از تپه پیر سنگ به‌طرف تپه قربانگاه (مأخذ نگارنده)
تصویر ۱۵. حضور مردم در تپه قربانگاه (مأخذ نگارنده)

گاو را به قربانگاه واقع در رأس تپه می‌برند و جمعیت گرد آن ازدحام می‌کنند. گاو را برای قربان شدن مهیا می‌کنند و روحانی محل پس از خواندن قرآن و دعا، کارد را بر گلوی گاو گذاشته و یا با کشیدن انگشت، جای آن را نشان می‌دهد، سپس قربانی به دست قصاب ذبح و در میان هیاهوی جمعیت بر زمین می‌افتد و خون گلوی آن جاری می‌شود (تصاویر ۱۶ و ۱۷).

در آنجا گودال کوچکی است که روی آن سنگ‌چین شده است و به آن «نیشان‌گاه»

(نشان گاه) می‌گویند که در ارتفاع پایین‌تری از قربانگاه و در فاصلهٔ کمتر از ۱۰ متر قرار دارد. ازآنجا شیاری به‌طرف محل سنگ‌چین حفر شده است، تا خون قربانی از قربانگاه تا نشانگاه جریان یابد. مردم اعتقاد دارند که نباید کسی از روی این شیار عبور کنند [۲۴، ص۱۳۶]، بلکه همهٔ اطراف شیار و محوطه را احاطه می‌کنند.

۱۶. احاطهٔ قربانی در تپه قربانگاه (مأخذ نگارنده)
۱۷. تصویر سنگچین روی گودال نشانگاه غیبت دختر (مأخذ نگارنده)

خون گاو باید از قربانگاه به‌طرف محل سنگ‌چین سرازیر شده و در آن فرو رود تا نذر ادا شده و باران ببارد و بادهای آسیب‌رسان که شکوفه‌های درختان را نابود می‌کنند، قطع شود. اگر خون گاو به محل نرسد، فایده‌ای ندارد؛ از این‌رو مردم نگران‌اند تا خون به نشان گاه برسد و وقتی رسید، خوشحال می‌شوند. اما خون قربانی در جوی حرکت کرده و نشانگاه را سیراب می‌کند (تصاویر ۱۸ و ۱۹). آنگاه مردم صلوات فرستاده و یک‌صدا می‌گویند: «قبول اولدی» (قبول شد). اما اگر خون قربانی به قربانگاه نرسد که گویا حداقل یک‌بار این اتفاق افتاده است، باید دوباره در پنج‌شنبهٔ بعد این قربانی تکرار شود.

۱۸ و ۱۹. جاری شدن خون قربانی به‌طرف گودال نشانگاه غیبت دختر (مأخذ نگارنده)

برخی از باقی‌ماندهٔ خون غلیظ شیار برداشته و برای برآورده شدن حاجت و شفای بیمار استفاده می‌کنند. حتی قند در خون آغشته کرده و برای تبرک و شفا با خود می‌برند. پس از آن مردم سرازیر شده و به طرف مزارع پایین تپه و آبادی حرکت می‌کنند. برخی از خانواده‌ها به نیت نذر از مردم پذیرایی می‌کنند (مشاهدات نگارنده). آنگاه گوشت قربانی را قسمت کرده و برای همهٔ اهالی می‌برند. از این گوشت کوفته از نوع کوفته تبریزی تهیه کرده و همهٔ مردم روستا آن را می‌خورند و برای نزدیکان خود به شهرهای اطراف می‌فرستند [قس؛ ۱۷، ص۲۰].

۳. تحلیل دین شناختی و اسطوره‌شناختی

اکنون وقت آن است که به تحلیلی دینی و اسطوره‌شناختی از این آیین بپردازیم. مهمترین نکات مورد توجه این است که آیین اسفنجان به هدف باران‌خواهی و برکت‌بخشی انجام می‌شود و صورت آیینی آن قربانی گاو است و بر اسطورهٔ غیبت دختر مبتنی است. این سه مورد نمونه‌های متعددی در ایران دارد، اما مجموع شدن این عناصر به علاوه تعداد متنوعی از عناصر آیینی و رمزی، آیین اسفنجان را از دیگر آیین‌های ایرانی متمایز و شایستهٔ بررسی دقیق‌تر می‌کند.

۳-۱. زمان برگزاری

اولین مسئله برگزاری این آیین با تقویم شمسی است. در اسفنجان قربانی گاو در مناسبت و تقویمی غیر اسلامی یعنی به تقویم و تاریخ خورشیدی برگزار می شود. آیین‌هایی چند در ایران وجود دارد که تاریخ شمسی دارد. گرچه تقویم شمسی زرتشتی فاقد هفته است، اما از دورهٔ اسلامی که هفته رسمیت و اهمیت یافته است، مبنای تقویمی دومی نیز برای برگزاری آیین‌ها انتخاب شد. این‌گونه آیین‌ها در ایران اسلامی به دلیل اهمیت روزهای هفته به‌جای روزهای ماه در ایران زرتشتی، در زمانی تقریبی و معمولاً در جمعه روزهای مقدس و پایانی هفته، برگزار می‌شود. طرفه آنکه نام آیین هم به بانام جمعه مربوط است؛ مثلاً آیین قالی‌شویان اردهال کاشان که به جمعه قالی شهرت دارد، چون در دومین جمعهٔ مهرماه تقویم رسمی ایران که بر اساس ماه ۳۰ روزهٔ زرتشتی به هفدهم مهر نزدیک است، برگزار می‌شود. همچنین جمعه آب درازِ که آیین آبریزان و طلب باران است که در جمعه‌ای از اردیبهشت در چشمه آب درازِ آذران کاشان برگزار می‌گردد.

ماهیت اصلی آیین اسفنجان طلب باران است و باید در موسم بارندگی انجام شود تا قرین توفیق باشد، پس برگزاری آن در تقویم قمری اسلامی که نسبت به ایام شمسی در گردش است، منطق درستی نخواهد داشت، از این جهت آیین سی و ششمین روز بهار شباهت با آیین طلب باران جمعه آب‌درازه روستای کوهستانی آذران کاشان دارد که در آخر اردیبهشت برگزار می‌شود و باران در پی دارد.

آیین قربانی گاو اسفنجان نیز که در سی و ششمین روز بهار باید انجام شود، در پنجشنبهٔ اول یا دوم اردیبهشت برگزار می‌شود. در پنجشنبه‌ای که حداقل سی‌وشش روز از سال گذشته باشد [قس؛ ۲۴، ص۱۳۲]، زمان برگزاری از سی‌وشش تا چهل‌وسه روز بعد از عید در نوسان است؛ مانند سال ۹۳ که در پنجشنبهٔ دهم اردیبهشت به انجام رسید که چهل روز از سال گذشته بود. از طرفی اولین گاهنبار سالانهٔ زرتشتیان که «میدیوزرم گاه» یا «میان بهار» نام دارد و از «خور روز» یعنی یازدهمین روز ماه اردیبهشت زرتشتی آغاز می‌شود. این گاهنبار پنج‌روزه که چهل و یکمین روز بهار برگزار می‌شود و به پیدایش آسمان مربوط است، به لحاظ زمانی با آیین اسفنجان قرابت دارد و ممکن است این آیین بر پایهٔ همان موقعیت گاهنباری شکل گرفته باشد. شاید بتوان برای آسمان محور این گاهنبار و باران محور آیین اسفنجان هم ارتباطی در نظر گرفت.

طرفه آنکه آیین دیگری نیز در سی و ششمین روز بهار در مزرعهٔ قبر آباد شهر اَلـویر شهرستان ساوه برگزار می‌شود. این مزرعه در حدود چهار کیلومتری جنوب شرقی الـویر واقع شده است. اهالی منطقه به آنجا گیر آوا (GEIR AVA) می‌گویند که ممکن است در اصل گبرآباد باشد، نامی که در دورهٔ اسلامی به محل زندگی زرتشتیان اطـلاق مـی‌شـده است. مردم الویر در سی‌وششمین روز بهار یعنی در پـنج اردیبهشـت هرسـال مراسـمی هم‌چون سیزده نوروز در اطراف الویر و به خصوص در «گیرآوا» برگـزار مـی‌کننـد کـه در زبان الویری به «سی و شوشه» (sio shoshah) معروف است. در این مراسم دورهم جمـع شده و به جشن و پای‌کوبی می‌پردازند. قدیم‌ترها، جوانان در این مراسم به زورآزمـایی و کشتی‌گیری نیز می‌پرداختند [۱۸، سال ۱۳۹۳]. گرچه آیین گیرآوا به لحاظ ظـاهری بـا آیین اسفنجان چندان شباهتی ندارد، اما مقایسهٔ آن‌ها به لحاظ تقویمی نشـان مـی‌دهـد که سی و ششمین روز بهار مانند دیگر آیین‌هایی که روز مشخصی در تقویم دارند، زمان ویژه‌ای برای برگزاری آیین‌های ایرانی بوده است.

همچنین برخی آیین‌هایی که در دیگر نقاط آذربایجان برگـزار مـی شـود، بـه لحـاظ زمانی قابل مقایسه با گاهنبار میان بهـار اسـت. از جملـه دامـداران «گوموشـلی ننـه» در ایلخچی روز چهلم بهار بز و گوسفندان خود را به زیارتگاه می‌برند تا سپیده دم از چشمه آب بنوشند و متبـرک شـوند. دامـداران «آش پیشـیرن دروه سـی» در دامنـهٔ کـوه‌هـای سنگردوشی کلیبر نیز طی مراسمی خروسی قربانی کرده و خونش را بـر روی گنـدم زار می ریزند. همچنین بیان شده که در چهل و پنجمین روز بهار آیین‌هایی در چنـد نقطـهٔ آذربایجان برگزار می شـود [نکـ ؛ ۲۴، ص۱۴۰]، کـه البتـه بایـد در ایـن بـاره بررسـی دقیق‌تری صورت گیرد.

۳-۲. اسطورهٔ غیبت دختر

آیین‌ها عمدتاً بر پایهٔ اسطوره‌ها برگزار می‌شود. حال می‌تواند منشأ اسـطوره یـک واقعـهٔ تاریخی باشد یا باوری افسـانه‌آمیـز و یـا برخاسـته از کهـن‌الگـو. اسـطوره‌ای کـه مـردم اسفنجان در منطق برگزاری این آیین به آن اشاره می‌کنند، اسطورهٔ غیبت دختـر اسـت که می‌توان رد پای آن‌را در متون دینـی هنـدو ایرانـی و مشـابه آن‌را معتقـدات امـروزهٔ مسلمانان و زرتشتیان یافت. دربارهٔ اسـطوره و آیـین‌هـای غیبـت دختـر در جـای دیگـر به‌تفصیل صحبت شده است [۲۱، صص۲۵۲-۲۵۵]، اما به‌طورکلی اسـطوره پـنج عنصـر

محوری دارد که عبارت‌اند از؛ ۱. روایت غیبت دختر در محل موردتوجه؛ ۲. مکان غیبت که معمولاً در ارتباط با عناصر مربوط به آب مانند چشمه و یا چاه است؛ ۳. وجود عنصر شر که دختر به خاطر خلاصی از دست آنان غایب شده است؛ ۴. رؤیایی که از طریق آن دختر غایب ماجرای خود و قداست محل را گوشزد می‌کند؛ ۵. توجه به قداست محل و برگزاری آیین که معمولاً به‌صورت آیین‌های زیارت است [۲۱، ص۲۵۷].

شواهدی در دست است که نشان می‌دهد برخی آیین‌های زیارتگاه‌های کنونی که بر پایهٔ اسطورهٔ دختر قداست یافته است، محل نیاز به ایزد ناهید بوده است؛ مانند قدمگاه مرضیه خاتون روستای قالهر دلیجان در استان مرکزی [۲۱، صص۲۷۱ و ۲۷۲؛ قس؛ ۴، ص۳۲]. برخی از مهمترین مکان‌های مربوط به این اسطوره عبارت‌اند از: زیارتگاه‌های زرتشتی پیر چک‌چکو (حیات بانو)، پیر هریشت، پیر نارستانه، پیر نارکی، پیر پارس بانو و ستی پیر که در یزد و زیارتگاه‌های قدمگاهی اسلامی عبارت‌اند از: بی‌بی شهربانو در شهرری، بی‌بی حکیمه در بهبهان، بی‌بی دوست در زابل، کوه چهل دختر (قیرخ قیز) در درگز، بی‌بی زبیده خاتون در ابیانه نطنز، قدمگاه دختران بکر در روستای قه کاشان، قدمگاه بی‌بی حلیمه خاتون در کاشان، برج چهل دختر دامغان، صخرهٔ چهل دختر در طالقان، سنگ چهل دختر در سراب، دو خواهرون در جزیرهٔ خارک، موقعیت سنج رو پیر (پیرسنج رو) در شهر کیوی استان اردبیل [برای نمونه نک؛ ۲۱؛ ۷، ص۳۲۱؛ ۵، صص۶۴، ۱۶۶ و ۱۶۷؛ ۲۰، صص۵۴ و ۵۵؛ ۱۹، صص۳۱۵ و ۳۱۶؛ ۹، صص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ ۲۸. p 198؛ ۲۷. p 717-718].

مردم اسفنجان روایت کم‌وبیش مشابهی از این اسطوره دارند. بر اساس این داستان، هنگامی‌که لشکریان اسلام به منطقه هجوم آوردند، تعدادی از آنان زخمی شده و در درهٔ میان کوه‌های پیر سنگ (قره‌داش) و قربانگاه جامانده بودند و بزرگان گوور (گبر= زرتشتی) دستور داده بودند، کسی به زخمی‌ها کمک نکند تا بمیرند. دختری گوور که در کوهستان شبانی می‌کرد، پنهانی به زخمی‌های مسلمان شیر و نان می‌داد. باگذشت زمان، راز دختر آشکار شد و برادران به‌قصد کشتن خواهر کردند، اما دختر گریخت و برادران وی را در بالای کوه پیر سنگ یافتند، دختر هراسان از کوه پایین دوید و سربالایی تپه قربانگاه را در پیش گرفت و برادران در پی او بودند. آفتاب در حال غروب بود، دختر ایستاد و دعا کرد که نجات بیابد و بلافاصله زمین دهان گشود و دختر را به درون زمین خود کشید و تنها موهای سر او از خاک بیرون ماند. تاریکی شب فرارسید و

برادران نتوانستند خواهر را از خاک بیرون بکشند و کار را به روز بعد موکول کردند و برای اینکه فردا بتوانند مکان دختر را پیدا کنند، سنگ‌چینی در محل فروشدن وی درست کرده و به آبادی برگشتند.

صبح روز دیگر که بالای تپه رسیدند، در کمال شگفتی تپه را پر از سنگچین دیدند؛ درنتیجه نتوانستند مکان دختر را پیدا کند و نا امید به آبادی برگشتند، اما باد شدیدی که درختان را از ریشه می‌کند و گله‌ها را در کوه پراکنده می‌کرد، وزیدن گرفت. مردم وحشت‌زده و درمانده شده بودند. تا اینکه پیرزنی دختر را به خواب دید که مکان غایب شدن خود را آشکار کرد و گفت اگر گاوی را در آنجا قربانی کنید تا موی سرم با خون قربانی حنا بگیرد، باد آرام خواهد گرفت. مردم محل غیبت دختر را پیدا کرده و گاوی در آنجا قربانی کردند. هنگامی‌که خون قربانی به موهای دختر رسید، باد ایستاد. از آن زمان به بعد سنت قربانی گاو به صورت سالانه انجام می‌شود.

روایت دیگری نیز از این اسطوره در نقل اهالی وجود دارد که بر اساس آن دو دختر گبر و مسلمان در کنار زیارتگاه پیر سنگ بودند. دختر گبر چند بز داشته که دو کوهستان می‌چرانده و به فروش شیر بزها زندگی خانواده‌اش را اداره می‌کرد. سالی از سال‌ها، خشک‌سالی می‌شود، قحطی و گرسنگی بسیاری از مردم را می‌کشد. در آن سال وحشت‌بار، دختر گوور به دختر مسلمان از شیر بزهایش می‌داده تا او زنده بماند. خانواده‌یِ دختر گبر درمی‌یابد که شیر بزها روز به روز کمتر می‌شود. برادران دختر گبر که متوجه می‌شوند خواهرشان شیر را به دختر مسلمان می‌دهد، به‌قصد کشتن خواهرشان به بالای کوه می‌روند ... (بقیهٔ داستان همانند روایت نخست است).

یکی از اهالی اسفنجان نیز بر این باور بود که دختر برای محمد حنفیه که بیمار بود شیر می‌برده است... (و ادامهٔ ماجرا)؛ شایان توجه است که ذکر محمد حنفیه در باورهای مردم ایران، از جمله آذربایجان وجود تعدادی مسجد و زیارتگاه در آذربایجان به نام وی [۱۳، صص ۴۶۸-۴۷۵]، ممکن است به تغییر گرایش مردم آذربایجان از تسنن به تشیع در آغاز ظهور صفویان مربوط باشد که بیان‌گر نوعی تشیع غالی و باطنی نیز هست [۱۳، ص۴۷۱؛ ۱۵، صص۲۲۸ و ۲۲۹].

دربارهٔ نشانه‌ها و رمزهای این اسطوره در ادامه صحبت خواهیم کرد، اما به‌طورکلی باید گفت که مردم اسفنجان روایت متفاوتی از این اسطوره ارائه کرده و ابعاد آیینی و رمزی بدیعی بر آن افزوده‌اند که متضمن نشانه‌های واضحی از آیین‌های برکت بخشی و

حاصل‌خیزی است.[۱]

۳-۳. نقش برجسته قربانی گاو در اسفنجان

یکی از مهم‌ترین عناصر این آیین که به‌نوعی محور آیینی آن است توجه و تمرکز بر قربانی گاو است. گاو در دین زرتشتی از اهمیت شایانی برخوردار است و به نوعی نماد برکت، حاصل‌خیزی و طبیعت حیوانی است. اولین فراز از گاهان که سروده‌های شخص زرتشت است، با شکایت گوشورون (روان گاو یا حیوان) به اهورامزدا آغاز می‌شود و در اسطوره‌های آفرینش زرتشتی، گاو نقش برجسته‌ای دارد. چنان‌که در فرایند نبرد با اهریمن در آفرینش هستی، از اندام گاو یکتا آفریده، ۵۵ نوع غله و ۱۲ گیاهِ درمانی رُست، چون سرشتی گیاهی داشت [۱۶، صص۶۵ و ۶۶].

قربانی از قدیمی‌ترین و مهمترین آیین‌ها در ادیان است و تقریباً در همهٔ حوزه‌های دینی و تمدنی سابقه دارد. قربانی‌ها انواع مختلف دارد. از قربانی پرندگان گرفته تا چهارپایان و حتی قربانی‌های انسانی [۶، صص۳۲۲-۳۲۶]. قربانی گاو در هر دو حوزهٔ تمدنی آسیای غربی و فرهنگ آریایی سابقه دارد، از این‌رو در ایران از دیرباز این قربانی انجام می‌شده است، چنان‌که شِکوِهٔ گاو از قربانی‌های بی‌رحمانه و انتخاب زرتشت توسط

---

۱. روایتی از این اسطوره در روستای وش از توابع نطنز وجود دارد که بر پایهٔ آن آیین نخل‌برداری در ۲۸ صفر هر سال در آنجا و دو زیارتگاه تپه مجاور آن در کوه سفید که دو زیارتگاه کعبه کوچک و اولیاءالله در دو نقطهٔ آن وجود دارد، انجام می‌شود [۲۲، صص ۴۹ – ۷۴].

یکی از شباهت‌ها در شیوهٔ مخفی شدن دختر است. در اسفنجان وقتی‌که برادران برای جستجوی دختر می‌آیند، تمام نقاط تپه سنگ‌چین شده و نمی‌دانند کجا را بگردند، از این‌رو دختر از دست اشرار خلاص می‌شود، در زیارتگاه کوه سفید وش نیز اولیا زیر بوتهٔ گَوَن مخفی می‌شوند و صبحگاهان که اشرار برای پیدا کردن آنان به کوه می‌آیند، تمام دشت پر از گَوَن شده است و لذا به آنان دست نمی‌یابند.

عنصر بعدی شباهت جغرافیای و ساختاری آیین گزاری است. همان‌گونه که در اسفنجان نیز اهالی گاو قربانی را از آبادی به تپه‌های پیر سنگ و قربانگاه در دو سوی آبادی هدایت می‌کنند، در وش نخل را از آبادی حرکت داده و به دو زیارتگاه در دو سوی کوه مشرف بر آبادی می‌برند. درواقع عنصر اصلی در این دو آیین گرداندن عنصر برکت‌بخش است که می‌تواند گاو، نخل، علم و حتی قالی مانند آیین قالی‌شویان مشهد اردهال باشد. اگر شاخ و برگ این دو مراسم را در نظر نگیریم بن و اساس هر دو یکی است، دونقطهٔ مقدس بر روی کوه، چرخاندن نماد برکت بخشی در آبادی و دو کوه مقدس.

البته آیین اسفنجان عناصر آیینی متنوع‌تری داشته و رنگ ایرانی آن بارزتر است، ازجمله اینکه این مراسم به تاریخ شمسی برگزار می‌شود، درحالی‌که نخل‌برداری وش به مناسبت اسلامی و تاریخ قمری.

اهورامزدا برای حمایت از گاو و جلوگیری از حجم زیاد قربانی آغازین بخش‌های اوستا را تشکیل می‌دهد [۳، یسنه‌هات ۲۹، بندهای ۱ تا ۱۳]. ولی ذکر برگزاری آیین‌های قربانی، به هنگام گفتگو از ایزدان و پهلوانان در یشت‌ها، می‌رساند که این رسم همچنان برجای‌مانده و دوام داشته است. در اوستا اجمالاً به پیشکش قربانی حیوانی برای مهر [۳، مهر یشت، بند ۱۱۹] و تیشتر [۳، یشت هشتم، بند ۵۸] اشاره شده است، اما برای ناهید قربانی‌های حیوانی فراوان پیشکش می‌شده است [۳، آبان یشت، بندهای ۶۸، ۷۲، ۱۱۲ و ۱۱۷]. با این اوصاف بیشترین قربانی‌های حیوانی پیشکش درواسبَ (Druvāspā) ایزدِ نگاهبان گله‌ها و رمه‌هاست که قربانی‌های فراوان اسب، گاوها و گوسفندان به وی نثار شده و برخی از پیشکش‌ها و نیایش‌هایی به آستان وی بر فراز کوه‌ها بوده است [۳، درواسپَ یشت/ بندهای ۳ تا ۳۲]. همچنان که هرودوت مورخ یونانی از قربانی حیوانات بر فراز کوه‌ها سخن می‌گوید [نک ؛ ۸، ص ۱۴]. در کیش مهری (میترائیسم) نیز که ریشهٔ ایرانی دارد قربانی گاو محور آیین است.

در ادیان توحیدی که زیر تأثیر فرهنگ آسیای غربی یا بین‌النهرین است نیز بر قربانی تأکید شده است. اهمیت قربانی در اسلام چنان است که عید قربان که به آیین حج مربوط است از بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی است. در این روز حاجیان در مکه و مسلمانان در دیگر سرزمین‌های اسلامی ازجمله در ایران انواع قربانی‌ها، اعم از قربانی گوسفند، گاو و شتر انجام می‌شود. در شهر نیاسر از توابع کاشان در روز عید قربان در مظهر دو چشمهٔ آبادی دو گاو قربانی می‌شود. قربانی‌های گاو در دیگر ایام مانند بازگشت حجاج و در جریان برگزاری آیین‌های محرم معمول است.

گاوی که در اسفنجان گردانده می‌شود، هم برکت‌بخش است و هم بلاگردان، چنان‌که دیدیم شاخه نباتی به آب دهان گاو، متبرک و به بیمار داده می‌شود. همچنین گاو از قنات «عید آباد» - آخرین و طولانی‌ترین قنات آبادی- آب می‌خورد و به آن برکت می‌دهد؛ مردم نیز برای تبرک از همان آب آن قنات می‌نوشند. این نکته یادآور برکت بخشی آب از گاو است که در نقاط دیگر ایران نیز دیده می‌شود؛ در نیاسر کاشان که آبادی کهن است و آتشکده‌ای از دوره ساسانی آنجاست، در عید قربان گاو را در آبادی می‌گردانند و بر لب چشمهٔ اسکندریه جنب آتشکده و بازمانده مجموعه‌ای زرتشتی [۱۴، ص ۱۴۱ -۱۶۰] گاو را قربانی می‌کنند تا تمام خون گاو از طریق جوی کهن چشمه کهن به همهٔ مزارع رفته و آن‌را برکت بدهد (مشاهدات نگارنده، تصاویر). در برزک

کاشان نیز در سال‌های کم‌آبی اهالی گاوی را خریداری کرده و بر سر مظهر قنات قربانی می‌کنند تا خون گاو در آب قنات جاری و به آن فزونی داده و مردم را از کم‌آبی نجات دهد. سپس گوشت قربانی را بین مردم تقسیم می‌کنند [۱۲، ص۶۲].

گاو سودمندترین حیوان برای زندگی مبتنی بر کشاورزی و نمایندهٔ مناسبی برای برکت‌بخشی است. انتخاب ورزه گاوی بزرگ برای قربانی به‌عنوان عنصری نرینه، بارور کننده و شخم زنندهٔ کشتزار و ریختن خون او در شیار، به‌مثابه باران است و زمین که در رمز پردازی‌های اسطوره‌ای عنصر مادینه هستی است بارور می‌کند. این‌گونه است که با این حرکت جادویی آسمان تحریک به باران‌زایی می‌شود و کشتزارها را سیراب می‌کند.

پس از این‌که گاو را بر سر تپه پیر سنگ برده و سه بار برگرد آن گردانند، سرانجام به تپه قربانگاه آورده و در فاصله‌ای ده متری از محل غیبت دختر ذبح می‌کنند تا خون گاو در جوی روان و به گودال غیبت دختر برسد. کندن جوی و رها کردن خون گاو در آنکه شباهت با جوی مزارع کشاورزی دارد، بیان‌گر عملی جادویی است. جادوی پر آب‌کردن جوی کشتزار. گویی با این بازسازی آیینی فزونی به کشتزار بازمی‌گردد.

بنابر این خون جاری‌شده باید تا محل سنگ‌چین یا گودال غیبت دختر که حکم زمین کشت دارد، رفته و به تعبیر اهالی موی دختر با خون حنا کند، در غیر این صورت کار ابتر می‌ماند. گویی این خون برای احیای برکتی که با غیبت دختر مفقود شده، ضروری است. گیسوان دختر که باید از خون سیراب شود به‌مثابه گیاه تشنه‌ای است که برای ادامهٔ حیات و حاصل‌خیزی محتاج آب است. همانندی زن با زمین شخم‌خورده در بسیاری از فرهنگ‌ها مشاهده می‌شود. در قرآن نیز زن به کشتزار تعبیر شده است.[۱] در هندوستان هندوان شیار را برابر فَرج (yoni) و بذر را با مرد یکسان می‌دانند [۶، صص۲۵۲ و ۲۵۳].

از قربانی و خون آن به شیوه‌های دیگر هم جهت تولید مثل و جلوگیری از سترونی استفاده می‌شود. گاهی زنان نازا روسری خود را به کله گاو بسته و باز می‌کنند، به این امید که باردار شوند [۱۷، ص۱۹]. بنابر مشاهدات نگارنده مردم آبادی اعتقاد دارند که خون قربانی موجب بچه‌دار شدن زنان نازا می‌شود، از این جهت حاجتمندان خون قربانی را که بر زمین جاری شده است، برداشته و طی آیینی خون گاو را بر سر و پیشانی زن نازا می‌مالند (تصویر ۱۹ و ۲۰).

---

۱. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ [البقره: ۲۲۳].

۱۹ و ۲۰. جمع‌آوری بازماندهٔ خون گاو جهت حاجت‌روایی (مأخذ نگارنده)

۳-۴. آیین طلب باران

هدف از برگزاری این آیین طلب باران است؛ گر چه وجه دیگری نیز بر آن افزوده‌اند و آن رهایی از بادهای مهیب که درختان را و شاخه‌ها را می‌کند و شکوفه‌ها را که اساس محصول سالانه است، می‌ریزد. در این ایام از سال بارندگی نسبت به دیگر ایام سال بیشتر است. گزارش‌هایی که از این مراسم تهیه شده است بیان می‌دارد که مردم پس از پایان مراسم منتظر باریدن باران هستند. اگر تا چند روز بعد از انجام قربانی باران نبارد، دوباره مردم قربانی گوسفند انجام می‌دهند. چنان‌که دریکی از سال‌ها، چند روز از آیین گزاری گذشت و باران نبارید. ازاین‌رو گوسفندی را در محل کرده بودند و اتفاقاً همان روز باران باریده بود. ازنظر مردم نباریدن باران به‌منزلهٔ عدم قبول قربانی است. پس این آیین از نوع آیین‌های طلب باران است. در ایران انواع مختلف آیین‌های باران‌خواهی و طلب باران برگزار می‌شود.

آیین اسفنجان وقتی برگزار می‌شود که معمولاً هفته‌ای چند بار باران می‌بارد. یکی از اهالی که در مراسم حضور داشت نیز به این امر توجه داشت و بر آن بود که وقتی آیین برگزار می‌شود که انتظار باریدن باران هم هست، والا چرا در تابستان که زمین‌های ما بی‌آب است و درختان سخت به آب نیاز دارند، باران نمی‌بارد؟ این امر نشان می‌دهد که زمان برگزاری این آیین با هوشمندی خاصی انتخاب شده است. می‌دانیم که ایزد باران در دین زرتشتی تیشتر یا تیری است. در اوستا آمده است که بار اول این ایزد در نبرد

با اپوش دیو خشک‌سالی شکست خورد، اما علت شکست نقصان در دعای مردم بود. نوبت دیگر که مردم دعا کردند، تیشتر توانست دیو اپوش را شکست دهد [۳، تیریشت، کرده ششم، ۲۱-۲۹]. شکست ایزد باران از دیو خشک‌سالی مربوط به اقلیم خشک و غیرقابل‌پیش‌بینی نجد ایران است که طبیعتاً در معرض پیروزی دیو خشک‌سالی است.

پس آیین‌های طلب باران معمولاً وقتی برگزار می‌شود که مدت‌هاست باران نباریده و خشک‌سالی تهدیدی جدی است، اما در اسفنجان آیین طلب باران وقتی برگزار می‌شود که علی‌القاعده ایزد تیشتر سربلند بیرون آید. چنین احتیاط و دقت نظر در انتخاب زمان برگزاری، این گمان را تقویت می‌کند که این انتخاب ابتکار «مغان» - رهبران دین زرتشتی - بوده است. رنگ مغانه این آیین از جهت دیگر نیز قابل تائید است؛ از آن جهت که معمولاً روحانی آبادی اسفنجان در قربانگاه حاضر شده و پس از خواندن ذکر و دعا قسمتی کمی از گلوی گاو را بریده و یا محل بریدن را با کشیدن انگشت مشخص می‌کند. این امر خواه‌ناخواه ما را به ایران دوران باستان رهنمون می‌کند؛ چنان‌که هرودوت گزارش کرده است، انجام قربانی در حضور یکی از مغان انجام می‌گرفت و وقتی آن مغ سرودها و نیایش‌های مربوط را می‌خواند، قربانی ذبح و در اختیار صاحب آن قرار می‌گرفت تا به‌دلخواه وی مصرف شود [نک ؛ ۱۰، ص۱۰۴].

اینکه از میان اجزای بدن قربانی یک چشم آن اهمیت بیشتری دارد نیز احتمال زرتشتی بودن این آیین را تقویت می‌کند، زیرا در اوستا یکی از اجزای قربانی که اهورامزدا به هوم ارزانی داشته چشم چپ است[۱] [۳، هوم یشت، هات ۱۱/ ۴ و ۵]. دور نریختن اجزای قربانی هم دراین‌باره مهم است. فلسفی می‌نویسد: «چشم راست قربانی را به سیدی می‌دهند تا در نزد خود نگه دارد تا هرگاه کودکی چشم‌زخم ببیند او را نزد همان سید ببرند و وی چشم خشکیده را در آب خیسانده و آب را بر کمر کودک چشم‌خورده می‌مالد، تا دفع چشم‌زخم شود. همچنین استخوان‌های قربانی را دور نمی‌ریزند تا دهان حیوانات ناپاک به آن‌ها نخورد، لذا آن‌را دفع کرده و یا به رودخانه می‌ریزند» [۶، ص۲۱]. در جمع‌آوری نذورات مراسم کودکان و نوجوانان نقش زیادی دارند. نوع هدایایی که جمع‌آوری می‌شود عبارت‌اند از میوه‌های خشکباری مانند گردو و بادم و آجیل و شیرینی و همچنین نذورات نقدی. این‌گونه آیین‌ها در طلب باران نیز سابقه دارد.

---

۱. درست است که در هوم یشت اشاره به چشم چپ شده، اما اینجا توجه به یکی از چشمان مهم است و می‌تواند در ارتباط با اوستا تحلیل شود.

نباید از نظر دور داشت که پیر سنگ که در مرکز آیین طلب باران قرار گرفته است، با باران‌خواهی ارتباط موثق دارد. انتساب خاصیت باران‌زایی به انواع سنگ‌ها، به‌ویژه شهاب‌سنگ‌ها در سایر مناطق جهان نیز وجود دارد. الیاده اهمیت و قداست این‌گونه سنگ‌ها را آسمانی بودن آن‌ها و ارتباط آن سنگ‌ها با بعضی قوا و صور و اشکال و موجودات حاکم بر باران می‌داند [همان، ص۲۲۳]. وی سنگی را در سوماترا برای نمونه می‌آورد که مشابهتی با گربه دارد و چون گربهٔ سیاه در برخی آیین‌های باران‌خواهی آن منطقه نقش ایفا می‌کند، مردم نیز برای آن سنگ خواص و قدرت‌های همانندی قائل هستند [همان‌جا]. در آیین طلب باران روستای فراهیه شهرستان میانه، اهالی با سنگ بر صخره‌های مقدس می‌کوبند و با تقلید صدای باران، طلب باران می‌کنند [۲۳، ص۸۹].

محمد قنواتی نمونه‌هایی از باران‌خواهی با توسل به سنگ‌های «باران ساز» در ایران و دنیای اسلام نشان می‌دهد ازجمله در بقعهٔ شاه قطب‌الدین در منطقهٔ بختیاری سه قطعه‌سنگ استوانه‌ای است که در فرورفتگی بالای آن آب باران جمع می‌شود و مردم در کنار آن گاو و گوسفند قربانی کرده و دعای باران می‌خوانند. در برخی از مناطق همانند زیارتگاه پیر سنگ، در کنار مزارها و زیارتگاه‌ها سنگ‌هایی وجود دارد که مردم معتقدند اگر این سنگ‌ها در وضعیت خاصی قرار گیرند، باعث بارش باران می‌شوند. در کَدکَن از توابع تربت‌حیدریه و در کنار زیارتگاه «پیر یاهو» که بر بالای کوهی واقع است، سنگ بزرگ سفید رنگی وجود دارد که مردم به هنگام اجرای مراسم آش باران، سنگ را کمی جابه‌جا می‌کنند و سپس ملای دِه مشغول روضه‌خوانی می‌شود [۱۱، ذیل واژهٔ باران‌خواهی]. با این اوصاف باید پیر سنگ را نیز در این فهرست قرارداد، سنگی که مرکز توجه آیین طلب باران است.

زیارتگاه پیر سنگ؛ حاجت‌خواهی

گرداندن گاو گرد زیارتگاه پیر سنگ به طلب باران، یکی از عنصر آیین اسفنجان است. پیر عنوان مشترکی است که برای بسیاری از زیارتگاه و قدمگاه‌های زرتشتی و اسلامی ایران. در این‌گونه نیایشگاه‌ها معمولاً عنصر قداست به صخره، چشمه‌ای خشک‌شده و یا کم آب مربوط است. سنگ‌های موردتوجه در این زیارتگاه‌ها بزرگ و گاهی دارای ویژگی خاص هستند که بسیاری از آن‌ها همانند اسفنجان بر محور اسطورهٔ غیبت دختر شکل‌گرفته‌اند.

اصولاً سنگ در پیدایش عبادتگاه عنصر برجسته و اساسی است و خود به‌تنهایی یک عبادتگاه است. اقوام باستان سنگ را حامل روح می‌دانستند. یونانیان تودهٔ سنگ کنار هم چیدهٔ مزارع را نماد هرمس ایزدی که پیام‌آور خدایان بود می‌انگاشتند و گاهی او را به شکل یک سنگی مربع نشان می‌دادند [۲۶، ص۸۳]. در ادیان ابراهیمی نیز سنگ قداست دارد. یعقوب بعد از رؤیایی که در آن یهوه را دید، سنگی که بر زیر سر داشت را افراشت، بر آن روغن ریخت و آن مکان را «بیت ئیل» (خانه خدا) نامید [۲، باب ۳۵/ ۱۴ و ۱۵]. در معابد انسان‌های بدوی سنگ‌های تراش نخورده وجود دارد و سعی شده است به پیکر طبیعی سنگ حفظ شود [۲۶، ص۳۵۴]. در اسلام حجرالأسود که در یکی از ارکان خانهٔ کعبه نصب شده اهمیت سنگی مقدس و آسمانی محسوب می‌شود. در ایران نیز نسبت به برخی سنگ‌ها حس قداست وجود دارد.

پیر سنگ زیارتگاهی در رأس تپه مشرف بر آبادی است که سنگ عظیمی به ارتفاع تقریبی ۳ متر واقع است که علت تقدس این مکان است و به آن «قره‌داش» (سنگ سیاه) می‌گویند. در داخل سنگ سیاه بزرگ دو سوراخ قرار دارد که به صورت شیب‌دار، قطر سنگ را طی می‌کند. مردم بر اساس باوری سه سنگ‌ریزه از پایین به داخل روزن بزرگ‌تر که قطری حدود ۲۵ در ۱۵ سانت و شیبی دو متری دارد، پرتاب می‌کنند و معتقدند اگر این سنگ‌ها این شیب را طی کرده و از آن طرف سنگ به پایین افتد، حاجت‌روا خواهند شد. از این‌رو پس از برآورده شدن حاجت در سال بعد نذری می‌دهند [۱۷، ص۱۷].

حفرهٔ دیگر نیز که کوچک‌تر است به موازات سوراخ بزرگ‌تر قرار دارد. پیران روستا اعتقاد دارند، سوراخ‌های سنگ اثر شمشیر حضرت علی (ع) و عمر بن خطاب است؛ وقتی آن‌ها در کنار این سنگ زورآزمایی می‌کردند سوراخ بزرگ را حضرت علی از ضرب شمشیر خود ایجاد کرد و سوراخ کوچک را عمر [۱۷، ص۱۷]. شاهدی بر رسوخ باورهای شیعی در باورهای عامیانه و اعتقاد به برتری علی بر عمر.

سنگ یا صخره سوراخ‌دار- ویژگی موجود پیر سنگ- که از آن انسان یا اشیا را عبور می‌دهند، حکم تولد دوباره، بهبودی از بیماری و حاجت‌روایی نیز دارد. عبور از حفره ازجمله آیین‌هایی است که در ادیان قدیم نیز سابقه دارد. الیاده ضمن ارائهٔ تحلیلی بر آیین‌های تجدید حیات و نوزایی، آیین عبور دادن از شکافی در زمین، سوراخی در صخره و یا حفره‌ای در درخت را آیینی مربوط به «درمان و شفایابی از راه زایشی نو» می‌داند و در این‌باره نمونه‌هایی را ارائه می‌کند. در واقع شخص عبور کننده از روزن،

گویا دوباره از نو متولد می‌شود، درحالی‌که بیماری و یا نقصان‌های قبلی را ندارد. این امر با باور مادر بودن زمین - اعتقادی کهن و ریشه‌دار- مربوط است. وی بر آن است که بخش بیشتر باورهای مردمان کشاورز مربوط به زایش نوین و مام زمین است [۶، صص۲۴۶-۲۴۷].

عبور از سنگ برای حاجت‌خواهی در زیارتگاه پیر بادام روستای کامو از توابع کاشان نیز به چشم می‌خورد. حاجتمندان باید پس از ۷ مرتبه خواندن سورهٔ اخلاص از روزن صخره پشت زیارتگاه عبور کرده و سپس تا بالای تپه که غار مقدس و زیارتگاه پیر بادام در آنجاست را پیاده بروند، بدون اینکه به پشت سر خود نگاه کنند. (مشاهدات نگارنده). در زیارتگاه‌های مربوط به اسطورهٔ دختر غائب مانند قدمگاه دختر بکر در روستای قه کاشان و برخی پیران گاه‌های آذربایجان، سنگ‌های بزرگ وجود دارد و باور بر این است که دختر غائب و یا مهاجمان دختر به شکل سنگ درآمده‌اند [۲۱، صص۲۶۶ و ۲۶۷]. برخی مواقع نیز تعدادی سنگِ روی‌هم انباشته مظهر قداست است؛ چنان‌که در همین اسفنجان محل غیبت دختر را با سنگ‌های انباشته مشخص کرده‌اند.

۲۱ و ۲۲. روزن سنگ و پرتاب سنگ‌ریزه به داخل آن (مأخذ نگارنده)

همچنین باید توجه داشت نذر کردن یا پیشکش آیینی جهت برگزاری این مراسم نیز اهمیت داد. یکی از عناصر مهم آیینی که ارتباط با برکت‌بخشی و فزونی دارد، نذر است که بنیان اقتصادی این آیین را تشکیل می‌دهد. خرید گاو که اهالی مبلغ آن‌را نذر می‌کنند، هدایای نقدی، جنسی از قبیل محصولات کشاورزی و شیرینی، جوراب، دستمال و در نهایت نیازها و نذورات خود را جوراب که به حمل‌کنندگان و یا نذوراتی که حین انجام مراسم نیت می‌شود، مانند بستن روسری بر شاخ گاو و نیت نذر برای برآورده شدن حاجت در پیر سنگ از این قبیل است. همچنان‌که مردم از گوشت قربانی کوفته تهیه و آن‌را پخش می‌کنند. عنصر نذر دادن یکی از مهمترین بخش‌های آیینی در ادیان و به ویژه در ایران است و معمولاً بدون آن آیین‌ها شکل نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

آیین قربانی گاو در اسفنجان دربردارندهٔ بسیاری از عناصر اسطوره‌ای، اعتقادی و آیینی است و از جهت جامعیت در میان آیین‌های برکت‌بخش در ایران جایگاهی ویژه دارد. صورت آیین قربانی گاو است و چگونگی انجام و دقایق آن بر اساس اسطورهٔ غیبت دختر- درونمایهٔ بسیاری از آیین های ایرانی به ویژه آیین‌های زیارت- است که به هدف

طلب باران و برکت‌بخشی باغات و مزارع و سرسبزی مراتع انجام می‌شود؛ درواقع بر انواع آیین‌های باران خواهی نوع تازه‌ای باید اضافه کرد که نمونه‌ای در فرهنگ ایرانی ندارد. نباید از نظر دور داشت که در روایت اسطوره‌ای اسفنجان به دفع بادهای شدید در بهار اشاره شده که باعث نابودی شکوفه‌ها و آسیب به درختان می‌شود. از عناصر جانبی این آیین‌ها، انواع حاجت خواهی از قربانی و بلاگردانی و دفع بیماری، برکت به محصولات کشاورزی و آب قنات و زیارتگاه پیر و حاجت‌خواهی و تفأل با محوریت سنگ مقدس است. برگزاری با تقویم شمسی، نقش محوری گاو، حضور اسطورهٔ غیبت دختر که با ناهید مربوط است، فقدان عناصر اسلامی و برخی ویژگی‌های دیگر نشان می‌دهد که آیین اسفنجان بسیار کهن است و بن‌مایه‌ای ایرانی دارد و با توجه به اینکه نمونه‌های دیگری نیز از آیین‌های سی و ششمین روز بهار در ایران سراغ داریم، احتمالاً همانند جشن‌های دیگر ایرانی تقویمی رسمی داشته و با گاهنبار «میان بهار» زرتشتی در چهل و یکمین روز بهار، مربوط باشد.

آیین اسفنجان از لحاظ تنوع و رمز و راز از دیگر آیین های ایرانی متمایز است. این آیین در فهرست میراث ملی ثبت شده و در صورت مراقبت و مستندسازی ظرفیت ثبت در میراث جهانی دارد. امروزه بسیاری از آیین‌های برگزار شده در ایران ارتباط وثیقی با دین زرتشتی و فرهنگ پیش از اسلام ایران دارند و شایستهٔ بررسی و مستند نگاری دقیق‌اند. این آیین در راستای چنین هدفی پژوهیده شده است.

منابع

[۱]. قرآن کریم.
[۲]. کتاب مقدس.
[۳]. اوستا.
[۴]. اصفهانی، ابوالشیخ عبدالله بن محمد (۱۹۸۷). طبقات المحدثین باصبهان والواردین علیها. تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
[۵]. افشار. ایرج (۱۳۷۴). یادگارهای یزد. جلد اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
[۶]. الیاده، میرچا (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمهٔ جلال ستاری، تهران، سروش.
[۷]. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۳). خاتون هفت قلعه. تهران، روزبهان.
[۸]. بنونیست، امیل (۱۳۷۷). دین ایرانی بر پایهٔ متن‌های معتبر یونانی. ترجمهٔ بهمن سرکاراتی، تهران، قطره.
[۹]. بویس، مری (۱۳۴۶). بی بی شهربانو و پارس بانو. بررسی‌های تاریخی، شمارهٔ ۳ و ۴، صص۱۲۵-۱۴۶.
[۱۰]. بویس، مری (۱۳۸۹). زرتشتیان؛ باورها و آداب دینی آن‌ها. ترجمهٔ عسکر بهرامی، تهران، ققنوس.
[۱۱]. جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۹۳). باران خواهی. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره‌المعارف اسلامی.

[۱۲]. جهانی، زهرا (۱۳۸۵). برزک نگین کوهستان، کاشان، مرنجاب.
[۱۳]. خامه یار، احمد (۱۳۹۱). مساجد و مزارات منسوب به محمد حنفیه در آذربایجان. پیام بهارستان، شمارهٔ ۱۸، صص ۴۶۸-۴۷۵.
[۱۴]. رضایی‌نیا، عباسعلی (۱۳۹۷). ملاحظاتی دربارهٔ ساختار معماری و کاربری چهارتاقی نیاسر. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، شمارهٔ ۱۷، صص ۱۴۱ – ۱۶۰.
[۱۵]. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران. تهران، امیرکبیر.
[۱۶]. فرنبغ دادگی (۱۳۷۸). بندهش. گزارش مهرداد بهار، تهران، توس.
[۱۷]. فلسفی، علی (۱۳۸۵). سی و ششمین روز بهار در روستای اسفنجان. دیلماج، شمارهٔ ۲۵، صص۱۶-۲۱.
[۱۸]. غفاری، علی (۱۳۹۳). قبرآباد کجاست؟ خبرگزاری ایسنا. علی ۹۳/۱/۶ به آدرس: //www.isna.ir/news/markazi-62612 (دسترسی: فروردین ۱۴۰۰).
[۱۹]. کتابچهٔ حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان (۱۳۶۴). قم نامه. به سعی سید حسین مدرسی طباطبائی، قم، کتابخانه مرعشی.
[۲۰]. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۴۱). تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
[۲۱]. مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۵). اسطورهٔ غیبت دختر. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شمارهٔ ۴۵، صص۲۴۹ - ۲۸۲.
[۲۲]. ---------- (۱۳۹۷). آیین نخل‌برداری زیارتگاه‌های کوه سفیدِ وَش بر پایهٔ اسطورهٔ غیبت دختر. کاشان‌شناسی، شمارهٔ ۱۱، صص۴۹- ۷۴.
[۲۳]. ---------- (۱۳۹۰). بازشناسی پرستشگاهی زرتشتی در روستای کله کاشان. مقالات و بررسی‌ها (ادیان و عرفان)، سال ۴۴، شمارهٔ ۲، صص۸۵-۱۰۰.
[۲۴]. میری خسروشاهی، حمیده؛ فریدآقائی، مریم (۱۳۹۳). بررسی مردم شناختی آیین قربانی سی و ششمین روز بهار در اسفنجان. فرهنگ مردم ایران، شمارهٔ ۳۶، صص ۱۲۹-۱۴۴.
[۲۵]. ناس، جان بایر (۱۳۷۳). تاریخ جامع ادیان. ترجمهٔ علی‌اصغر حکمت، ویراستهٔ پرویز اتابکی، تهران، علمی و فرهنگی.
[۲۶]. یونگ، کارل گوستاو و دیگران (۱۳۸۹). انسان و سمبولهایش. ترجمهٔ محمود سلطانیه، تهران، جامی.
[27]. Boyce. Mary (1988). “BANU PARS”. Encycl0paedia Iranica. Vol 3, Leiden
[28]. Boyce. Mary (1989). “BIBI SAHRBANU”. Encycl0paedia Iranica. Vol 4, Leiden.